



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۸/۰۴

دوکتور نوراحمد خالدی

## حفاظت از شیوه های گفتاری و نوشتاری زبان مروج دری در افغانستان حق مردم این کشور در حفظ و گسترش زبان مادری آنهاست

[به مناسبت تجلیل از روز جهانی زبان مادری]  
تاریخ تحریر در مطبوعات: فروری ۲۰۱۷

شخصی بنام خراسانی بمناسبت روز "زبان مادری" یونسکو در فیسبوک مینویسد: "زبان پارسی از عصر سامانیان تا ابدالیان همواره به عنوان تنها زبان رسمی، ملی و فرهنگی تمام امپراطوری های خاندانی کل بلاد خراسان ... بوده است و این رسمیت و عظمت تا پایان سلطنت امان الله خان به رغم تمام فراز و فرود ها همچنان باقی ماند و از هیچ باد و باران و طوفان، گزندی به او نرسید.... متأسفانه در يك قرن اخیر دشمنان سوگند خورده ای زبان فارسی از هیچ ظلمی مضایقه نکردند تا شاخه های این درخت کهن را از بیخ و بن برکنند و هویت اش را مسخ نمایند". آقای خراسانی از کدام ظلم در حق زبان فارسی (دری) صحبت میکند و این دشمنان قسم خورده زبان فارسی (دری) چه کسانی بوده اند؟ آیا نامگذاری چند جاده و چند موسسه اداری و علمی بزبان پشتو و دایر کردن کورسهای تدریس زبان پشتو برای کارمندان دولت در بدل حقوق امتیازی مضایقه نکردن، ظلمی است تا شاخه های زبان درخت کهن "پارسی" را از بیخ و بن برکنند؟ مگر کوشش در راه آموزش، تقویت و افزایش ظرفیت زبان پشتو حق مسلم پشتو زبانهای افغانستان نیست؟ آیا این کوشش موازی و در سایه شکوفانی و گسترش زبان دری صورت گرفته است و یا در ضدیت و مخالفت با آن؟ آیا محمود طرزی، عبدالحی حبیبی، داکتر احمد جاوید، نادرخان، محمد ظاهر شاه، محمد داوود خان و اعضای خانواده های آنها دشمنان قسم خورده زبان فارسی (دری) بوده اند؟ مگر زبان مادری اکثریت این اشخاص زبان دری نبوده است؟ مگر خط و کتابت رسمی اداری دولت افغانستان تا امروز زبان دری نیست؟ مگر نام "دری" نام اولی و تاریخی زبانی نیست که در تاجیکستان بنام "تاجیکی" و در ایران بنام "فارسی" معروف است؟ آیا موجودیت این سه نام بصورت مترادف تیشه به ریشه درخت کهن زبان "پارسی" میزند؟

حتی یکتعداد دانشمندان ایرانی از دری یا فارسی بصورت مترادف یاد میکنند. ابراهیم پورداود، استاد دانشگاه تهران مینویسد که کتابهای شاهنامه ابو منصور (۳۴۶ هجری)، ترجمه تفسیر طبری (۳۶۵ هجری)، اشعار رودکی سمرقندی (۳۲۹ هجری)، شهید بلخی (۳۲۵ هجری)، دقیقی طوسی (۳۷۰ هجری)، شهنامه فردوسی (۴۰۰ هجری) "همه بزبان فصیح و استوار و پخته دری یا پارسی نوشته و گفته شده است" (محمد معین، "برهان قاطع"، دیباجه صفحه بیست و هفت جلد اول-۱۳۳۰ تهران).

زبان دری در ادوار پیش از اسلام نیز همزمان با پهلوی وجود داشته است. قرآینی که این عقیده را حمایت میکنند موجودیت آثار کتبی (منثور و منظوم) از زمان نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۵ ه.ق) و غیره است و دلالت به آن میکند که در ظرف دو سه قرن بعید است زبانی باین فصاحت و بلاغت رسیده باشد. ابراهیم پورداود مینویسد که "باید پایه و شالوده این زبان قرن‌ها پیش از اسلام ریخته شده و زبان مزبور با زبان پهلوی متوازیاً پیش میرفته است". (محمد معین، "برهان قاطع"، دیباجه، صفحه بیست و هفت جلد اول-۱۳۳۰ تهران). همین نویسنده در پاورقی همان صفحه می افزاید که "منتهی چون زبان پهلوی زبان رسمی بوده کتیبه‌ها و رسایل بدان زبان باقیمانده و از زبان دری پیش از اسلام - اگر هم آثار مکتوب وجود داشته - چیزی بما نرسیده است". بر همین اساس استاد ملایری میگوید بکار بردن اصطلاحات فارسی قدیم، فارسی میانه و فارسی جدید کار متأخرین است که هیچ ریشه تاریخی ندارد. ابن الندیم از قول عبدالله بن المقفع میگوید دری لغت مردم شهرهای مداین، دربار پادشاه، و لغت مردم مشرق اهل بلخ است. (الفهرست جاب قاهره ص ۱۹). بنابر آن وقتی در سال ۱۹۶۴م دولت افغانستان کاربرد زبان "دری" را به عوض "فارسی" بصورت رسمی مروج ساخت عملی در مسخ هویت اش نبوده بلکه برعکس استفاده از نام درست تاریخی و اولی این زبان است. کار خستگی ناپذیر محققین افغان در معرفی درست ریشه‌ها و تکامل زبان دری به فهم بهتر مردم منطقه اعم از افغانستان، ایران و تاجیکستان از این زبان انجامیده است. دانشمندان افغانستان میگویند زبان اصلی مردم خراسان و ماورالنهر زبان "دری" بود که در این سرزمینها در کنار زبان پارتی (پهلوی اشکانی) موجود بوده و گسترش یافت و دوصد سال بعد تر به فارس که زبان مادری آنها "پهلوی ساسانی" بود معرفی شد. ناگفته نماند که زبان هخامنشیها هم عیلامی بود. این برداشت مسخ هویت زبان "فارسی" نیست بلکه برعکس معرفی درست ریشه‌های زبانی است که امروز در ایران به آن فارسی در تاجیکستان، تاجیکی و در افغانستان به آن دری میگویند.

بیشتر ایرانیها معتقد اند که دری مروج در افغانستان و لهجاً رسمی مروج در افغانستان به مقایسه آنچه در ایران رواج دارد اصالت بیشتر داشته و زبان معیاری محسوب میگردد. کوشش دری زبانان افغانستان در محافظت شیوه‌های گفتاری و نوشتاری زبان مروج در کشور نه ایران سنتیزی و نه پارسی سنتیزی بلکه حق آنها در حفظ و گسترش زبان مادری آنهاست. به نوشته محمد حیدری خبرنگار بی بی سی "ما زبانی که می‌آموزیم، تنها اصواتی که جایگزین مفاهیم شوند را یاد نمی‌گیریم. "فرهنگ" نیز با زبان، در جان ما سرازیر می‌شود. با زبان است که تفکر می‌کنیم و هر زبانی با تاریخ کهن گذشته اش و با سرمایه‌های معنوی فرهنگ اش، زمینه‌ای برای فکر می‌شود.

زبان تنها برای ارتباط با دیگران نیست، زبان راهی برای پیمودن گذشته نیز هست. گویی تاریخ در آن جاری است زبان چیزی فراتر از کلمات است. زبان سرچشمه فرهنگ ما است. " این درست است که ما مشترکات فرهنگی زیادی با ایرانیان داریم. اما در طول تاریخ صدها سال در شرایط متفاوت حاکمیت‌ها تکامل کرده حیات بسر برده ایم و حالا نزدیک به سه صد سال است که راههای جداگانه حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را پیموده، دست آوردهای متفاوت و مشخص و منحصر به خود داریم. بنابر آن حفاظت از شیوه‌های گفتاری و نوشتاری زبان مروج دری در افغانستان حق مردم افغانستان در حفظ و گسترش زبان مادری آنها و فرهنگ مشخص و متمایز شان است.